

بازدید از کتابخانه

سناریوی فیلم انیمیشن «خدمات کتابخانه برای عامه» انجمن کتابخانه های جرمنی (dbv)

1. خرد و کلان دروازه دخولی کتابخانه را باز می کنند، وارد کتابخانه شده و حیران می مانند.
2. کلان: او! سیل کن چی میزان کتاب و آدم اینجا می باشد!
3. خرد: «سیل کن، او خانوم کتابداره. او حتما میتانه به ما کمک کنه.»
4. خانم کتابدار: «خوش آمدید! من چی کاری می تانم برای شما انجام بتم؟»
5. کلان: «این آی دی کارت من است. ما می خواهیم که یک چیزی امانت بگیریم.»
6. خانم کتابدار معلومات را در کمپیوتر ثبت می کند و کارت عضویت کتابخانه را صادر می کند.
a. او کارت را به کلان تحویل می دهد.
7. خانم کتابدار: «شما با این کارت می تانید کتاب و رسانه های دیگه ره امانت بگیرین.»
8. خرد و کلان مصروف کشف و شناسایی کتابخانه می شوند:
9. آنجا قفسچه هایی پر از کتاب وجود دارد و افرادی که کتاب ها را انتخاب کرده و آن ها ورق می زنند. فلم و سی دی نیز وجود دارد.
10. خرد: «سیل کن، این فیلم مورد علاقه من است! می خوام این فلم ره به امانت بگیرم.»
11. آن ها جلوتر می روند و از کنار تعدادی میز و چوکی که يك نفر در آنجا مصروف خواندن روزنامه است، عبور میکنند. بعد از آن يك نفر را می بینند که در حال جستجوی معلومات در انترنت است.
12. در آنجا يك نفر برای بچه ها داستان می خواند. بچه ها با هیجان به داستان گوش می دهند.
13. پیشتر پشت میزهای کار عده ای مصروف خواندن و نوشتن هستند.
14. کلان هنوز کتاب مورد نظرش را پیدا نکرده است.
15. کلان: «بیا!»
16. او به آقای کتابدار که بالای زینه است مراجعه می کند.
17. کلان: «من نمی فامم این کتاب ره کجا می تانم پیدا کنم.»
18. آقای کتابدار: «لطفا همراه من بیاین.»
19. آن ها از کنار قفسچه های کتاب زیادی عبور می کنند تا این که کتاب را پیدا می کنند.
20. آقای کتابدار: «بفرمایید! این کتاب شماست.»
21. کلان: «بسیار تشکر!»

22. آن ها به بخش امانت مي روند. آن ها كتاب، فلم و کارت كتابخانه را روي پيشخوان مي گذارند. خانم كتابدار آن ها را راجستر مي كند. پس از آن او كتاب و فلم را به همراه کارت كتابخانه به آن ها بر مي گرداند. او توضيح مي دهد كه كتاب و فلم حداكثر چي زماني بايد به كتابخانه عودت داده شود.

23. خرد و كلان از همدیگر خداحافظي مي كنند. آن ها حتما به زودي دوباره به آنجا مي روند!

متن: بيبليومديا (Bibliomedia) سوييس/ اپريل 2016